



خبرنامه

جریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

شماره: ۳۷ تاریخ: ۱۳۵۹/۷/۲۳

باید در جریان مبارزات توده‌ها،
در هر شکل و سطحی که باشد،
قرار داشت و آنرا ارتقاء داد!

تکثیر از: شورای ملی مبارزات فدائی ایران - پاریس

زودتی استوی مبارزانه‌دهی مسالمت‌آمیز تسوده هـــــ

تکثیر از

شماره: جریکهای فدائی خلق ایران شماره

«یکسال از عهد خوب ناهمه گذشت»

هنگامیکه قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه ۵۷ صورت گرفت و با تکاپو و فعالیت امپریالیستها و مردمداران کومالی حکومت، بعد از دو روز، حمله تهرمانانه خلق ما سویژه مردم تهران به یادگانیا و مراکز نظامی دشمن متوقف گردید، هم امپریالیستها و هم گردانندگان جدید ماشین دولتی خشود گردیدند. ظاهراً "همه چیز بروفق مراد آنان بود و زبانی که دیده بودند، ضربه خوردن ارتش، افتادن مقداری سلاح بدست خلق و تجربه مردمی بود که در این دو روز، مبارزه مسلحانه ای را که در گذشته عمدتاً در عملیات سازمان پیشا - هنگ دیده بودند، خود در عمل بکار بستند. اما در عوض امپریالیستها و سردمداران حکومت گمان می بردند که این قیام ناخواسته (ناخواسته برای آنان و نه برای خلق) فوایدی نیز در برداشته است که مهمترین آن تبلیغ این ایده است که حکومتی که سرسکار آمده حاصل قیام مردم است و کار جنبش توده نیز به آخر رسیده و فریب و سیرنگ آنان موجب میگردد که سیل جنبشی را که دولتهای شریف امامی و زهار می و بختیار نتوانسته - اند مهار کنند، سردمداران جمهوری اسلامی مهار خواهند نمود.

البته بخشی از توده ها فریب خوردند. فریب خوردگان - که از هر قشر و دستهای بودند - برای گمان بود - ند که قیام کار امپریالیستها و شوکران او را در داخل تمام کرده است و قیام توده ای، ماشین دولتی را به رهبران توده ای سپرده است. بخشی از مردم نیز به آنچه که اتفاق افتاده بود مشکوک بودند اما به هیچوجه موضعی جنبشی نگرفتند و در پی جستجوی واقعیت سرآمدند و بخشی دیگر از همان آغا ز در یافتند که امپریالیستها چه دامی را بر سر راه جنبش خلق نهادند و چگونه با توسل به تمامی تجربیات فدا خلقی خود رهبرانی را به توده ها تحمیل کردند که هیچگاه در فکر منافع خلق نبوده اند. رهبرانی که با امپریالیستها مذاکره کرده بودند و بسا آنان به توافق رسیده بودند.

اما این فریب بزرگ با آنهمه مقدمه چینی و تمهیدات گوناگون نتوانست جلوی موج توفنده جنبش توده - ای را سد نماید. مردم ما علیرغم تبلیغات کرکننده امپریالیستها و سردمداران جمهوری اسلامی بخوبی درک کرده بودند که با رفتن شاه مبارزه با امپریالیسم پایان نگرفته است. آنها درک کرده بودند که برای مبارزه با امپریالیسم باید به تمامی روابطی که در جامعه ما وجود دارد، یعنی روابطی که حاصل تسلط امپریالیستها در یک قرن گذشته بوده است، یورش ببرند در نتیجه چنان دستهای مردمی که فکر میکردند سردمداران جمهوری اسلامی ضدا امپریالیستی و چنان دستهای مردمی که موضع واقعی این خیانت پیشگان به خلق را می - دانستند، مبارزه ضدا امپریالیستی خود را ادامه دادند، و سیر و قیامی که سرعت میگذشت روز بروز دست گردانند - گان رژیم را پیش از پیش زامی نمود هر حرکت خلق با مقاومت آنان مواج میشد و رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب توده ها از همان شیوه های آریا مهری با صافه مقداری خدمه و سیرنگ و فریب سودمی برد.

خیزش جنبش توده ای مردم اوج بیشتری میگرفت و تازه به تخت رسیدگان وحشت زده به مقابله بسا آن می پرداختند و در نتیجه دست خود را رومی کردند. هواداران دیروزی حکومت به مخالفان سرسخت اوشدیل می - شدند و آسپاتی که می دانستند که حقیقت با بد چیز دیگری باشد اما نمی دانستند که چیست به گنه قصبه پی میرد - بند و حقا نیت نظرات نیروهای انقلابی مخالف حکومت (و نه طرفداران حکومت شاه و یا بختیار) پیش از پیش ثابت میگشت و با نتیجه سرکوب توده ها توسط حکومت نیز گسترش می یافت.

شریات علیی که پس از سالیهای طولانی اسارت در جریان جنبش خلق و بسا اعتماد نویسندگان و کارکنان مطبوعات آزادی را تجربه می نمودند، خواه ناخواه منعکس کننده رویدادهای جامعه ما شده بودند. نویسندگان مطبوعات قسم یاد کردند که قلم خود را تنها در راه منافع خلق بکار گیرند و آزادیهای که حاصل مبارزات خلق بوده آنها را در امکان را میداد که تا حدودی به این وظیفه خود عمل کنند. پس تا حدودی اخبار و گزارش اعتمادیات و نظرات و افشاگری و در مطبوعات منعکس میگردید در این میان تشریف نگارانی حلیگر (که موضعی کاملاً انقلابی اتخاذ کرده بود) و روزنامه آسندگان بیشتر نقش را بازی میکردند. تیراژ مطبوعات سرعتی سابقه ای نالامبرقت و بسا طرز نامدقروشیها از انواع و اقسام مطبوعات گوناگون رنگین نده بود و وظیفه هر چه سنگین تری سردوش مطبوعات علیی قرار میگرفت. این نکته ای نبود که ارجح حاکمیت بسپان سعادت، یعنی را که مطبوعات علیی در جنبش بازی میکردند برای حکومت جمهوری اسلامی به همان اندازه عطشاک بود که برای حکومت محمدرضا شاه، چه محمدرضا شاه و در دستهای و چه سردمداران حکومت جمهوری اسلامی ارگسترش آگاهی توده و جنبش زده بودند و مطبوعات علیی شدت این وحشت را دامن مردم، پس سردمداران حکومت جمهوری اسلامی لازم میدیدند که یورش خود را به مطبوعات آغا رسا سد و کار مطبوعات علیی را بکسرند و بزنند.

گردانندگان رژیم که در جریان اعدام ۶۲ روزه مطبوعات برای آنان پیام وکل فرستاده بودند، اکسون جماعتداران خود را سراغ آنها میفرستادند. حکومت مبعزاست تا مطبوعات علمی را بوسیله جماعتداران بتمطیل بکشاند تا خود را میری از سرکوب به تیپه سابق قلعه ادمایت، اما جماعتداران در کار خود توفیق چندانی نیابفتند و با انتخاب حکومت که نشان دادن ماهیت خود را اجتناب ناپذیر میدید با دادن فتوی و بشکلی "قانونی" به توقیف مطبوعات علمی که در صدر آن آیندگان و جنگسرها قرار داشتند، پهر- داخت و در روز شنبه ۱۶ مرداد ماه ۵۸ با دستگیری ۱۳۰ تن از کارکنان روزنامه آیندگان و توقیف این روزنامه و نشریه جنگرها را به تعطیل کشاند و سپس تظاهرات وسیعی را که بر علیه اقدامات حکومت درباره مطبوعات صورت گرفت بخون کشاند، در واقع تظاهرات ۲۱ مرداد ماه ۵۸ را می توان مراسم سوگواری برای آندسته از مطبوعات علمی که موفقی انقلابی داشتند دانست.

مطبوعات را یکی پس از دیگری ترقیف میکردند و آنها را در اختیار "بنیاد مستضعفین" می گذاشتند و بدین ترتیب بنام مستضعفین مطبوعات در دست کسانی قرار میگرفت که شیرینیز کردن آنها را نمیزد. حکومت حتی سه روزنامه اطلاعات که نویسندگان آن قبل از توقیف روزنامه شان به در پیوزگی افتاده بودند در هم نکرده و آنها را نیز غصب کرد.

هریک از این نشریات با نام و امکانات خود در دست این یا آن جناح از حکومت قرار گرفت، و خلاصه تمامی مطبوعات علمی در دست حکومتی شد. اخبار واقعی مبارزات خلق ما از مطبوعات نقش بر آب و تمامی آنان دو- باره همان راهی را که در دوره حکومت منفور شاه میرفتند در پیش گرفتند، اخبار کذب، تبلیغات دروغیسن و حمايت بیدریغ از حکومت جایگزین آزادی مطبوعات شد و نویسندگان و کارکنان آن آزاده مطبوعات به خیل بیگانه- ران پیوستند و با انتیعه تیر از مطبوعات نیز سرعت پاشین آمد.

در چنین شرایطی وظیفه ما چه بود؟ از یک سو جنبش خلق می جوشید و می خروشد و از سوی دیگر حکومت با دست گرفتن تلویزیون و رادیو و کلیه مطبوعات از انکاس این رویدادها در سطح جامعه حداقل به شکل واقعی آن جلوگیری می نمود. پس در شرایط فقدان مطبوعات علمی مبارزین اخبار و گزارشهای مبارزات مسردم میهنمان به عنوان یک وظیفه در پیش روی ما قرار گرفت. اما انجام این وظیفه را توانائی علمی ما محدود می- کرد. مجموعه دیگر وظایف مبارزاتی ما ما فزانه که ما از یک سو تحریرهای درگرا را انتشار یک نشریه نداشته و از سوی دیگر هنوز فرصت آنرا نیافته بودیم که یک سیستم خبری را در میان تمامی رفقای قرار کنیم، کار را دشوار می- ساخت اما به نظر ما هیچیک از اینها نمی توانست انتشار یک نشریه خبری را، هر چند محدود، ناممکن سازد. در اینجا می بایست با استاده ما زمانه می خریدست زد و سپس کار را آغاز نمود و با آنکه کار را آغاز کرد و سیستم خسرا در جریان عمل سازمان داد، اگر ما قبلا" تجربه ای دوزمینه برقراری این سیستم داشتیم قطعاً راه اول را انتخاب می نمودیم اما فقدان تجربه در این زمینه ما را بر آن داشت تا راه دوم را انتخاب کنیم. ما میدانستیم که خبرنا مه در آغاز بسیار خام و ناپخته منتشر خواهد شد، اما اینرا نیز میدانستیم که بسیاری از مشکلات در جریان عمل از پیش پا برداشته میشود و گمان نمیکنیم که گذشت یکسال از عمر خبرنا مه صحت این نظر را تاء شید میکند.

مهمترین مسئله آن بود که رفقای هوادار که می التوافق کار اصلی خبرنا مه بردوش آنها بود تفاوت خبر- نا مه را با یک ارگان سراسری در بافتند و با انتیعه درک کامل" روشنی از وظایف خبرنا مه داشته باشند. ما- ها همگامیکه در چند شماره اول خبرنا مه در دستم که برخی از رفقای هوادار در درک وظایف خبرنا مه به خطا رفته- اند با ردیگر این نکته را در خبرنا مه شماره ۹ توضیح دادیم و بطور مشخص با ردیگر وظایف خبرنا مه را بر شمردیم ما در آنجا گفتیم که رفقای طریق خبرنا مه در جریان بعضی از مبارزات توده ها (یعنی آن بخشی که ما توانستیم ایم منعکس کنیم) قرار گرفته و با مسائل توده ها، شکل حرکت آنها، برخورد حاکمیت با آنها و... آشنا میشوند و از سوی دیگر اینرا نیز وظیفه رفقای هوادار دانستیم که با بردن این خبرنا مه به میان توده ها، آگاهی آنان را بسیار افزایش دهد. ما در همان مقاله گفتیم که: "اگر بیداستم که خبرنا مه ما در دهات با کارخانه ها محل کسب و کار بخش میشود و خواهد شد و با عدالت شادی ما است و این دقیقاً همان وظیفه است که انجام آنرا از رفقای انتظار داریم".

بهر حال شرایط برای انتشار خبرنا مه به دلیل فشارهای حاکمیت سخت تر شده است. رفقای ما را به دلیل فروش خبرنا مه مورد ضرب و جرح قرار میدهند و آنچه را دستگیر کرده و برسدانی میسازند. برای چاپخانه ها با خطر چاپ خبرنا مه به نسیقتی ایجاد کرده و آنها را ترقیف میکنند و علاوه حکومت این انجمن را با ماده ۱۰۰ کسسه خبرنا مه را غیر قانونی اعلام کرده است اما کار خبرنا مه ابتدا به یافته و وظایف آن نیز تغییر می یابد. ما

هنوز هم انتظار داریم که رفتای هوادار با خواندن خبرها با بخشی از مسائل مردم میهنمان آشنا شده و از طریق بردن خبرنا میهنیان مردم آگاهی آنها را افزایش دهند و به همین خاطر ما کوشش کرده ایم تا خبرنا مه را به زبانی منتشر کنیم تا برای توده قابل فهم و درک باشد. حتی همگامی که با توجه به برخی ضرورتها، مقالاتی به خبرنا ما اضافه شد، این مقالات عمدتاً "مقالاتی بودند که با مسائل سیاسی روز برخورد میکردند و در نتیجه جذب آنها برای توده ها امکان پذیر بود.

در این یکسال با اعلی خبرنا مه بردوش رفتای هواداری بود که از سراسر ایران خبر و گزارش تهیه کرده و برای ما میفرستادند و خود نیز به سازماندهی سیستم خبری پرداختند و خبرنا مه را نیز توزیع میکردند. بسیاری از رفقا به ضرورت انجام این وظیفه پی برده و در این راه کوشش بسیار کرده اند که بعنوان مثال می توان از رفقای خوزستان و گیلان و مازندران نام برد و برخی از رفقا هنوز هم به ضرورتهای انجام این وظیفه کاملاً پی نبرده و بدلائیل مختلف از قبیل عدم امکانات و..... در این راه کم کاری میکنند. فی المثل در همین مازندران رفقای قاشم شهر از زمره رفقای هستند که در کار تهیه خبر و گزارش کم کارند و با میتوان از رفقای کردستان نام برد. (بسیار مایل بودیم که از رفقای سراسر ایران که در این راه کوشش بسیار کرده و با کم کاری نموده اند نام ببریم ولی بدلائلی از این کار خودداری کردیم).

اما بهر حال در طول یکسال گذشته ما و شما می رفتای که به کار تهیه و پخش خبرنا مه مشغول بودند، توانستیم تا حدودی مشکلات را از پیش پای خود برداریم اما هنوز هم کار ما دارای ضعفهایی است که ما هم آنها را عبارتند از:

۱ - ما هنوز نتوانستیم در سراسر ایران به سازماندهی مطلوبی در زمینه خبر و پخش خبرنا مه دست یابیم. آنچه که تا کنون در این زمینه صورت گرفته است عمده است "حاصل کوشش رفقای هوادار بوده و از این پس نیز این مهم بیشتر بردوش آنان خواهد بود.

۲ - گاهی در خبری اشتباهی وجود دارد که بنا بر صورت اطلاع در شماره های بعدی خبرنا مه آنرا تصحیح میکنیم. این اشتباهات غالباً "بدلیل کم توجهی رفقای تهیه کننده خبر صورت میگیرد و علیرغم تذکرات ما بازم در این زمینه سهل انگاریهایی صورت میگیرد. اگر رفقا در نظر بگیرند که ذکر نکته ای اشتباه هرچند کوچک، در یک خبر، چگونه به خبرنا مه خصوماً "در آن منطقه ای که خبر از آنجاست، ضربه میزند، قطعاً" در این باره دقت بیشتری خواهند کرد و هر خبری را تا اطمینان کامل به صحت آن بعنوان خبری موثق، برای ما نخواهند فرستاد.

۳ - در حالیکه بسیاری از اخبار در نتیجه جدیت و کوشش رفقا، بموقع بدست ما میرسد اما بدلیل امکانات محدود و حجم زیاد اخبار موفق نمی شویم که بموقع آنها را در خبرنا مه درج نمائیم و در نتیجه برخی از اخبار بعد از گذشت مثلاً "یکماه و یا حتی بیشتر در خبرنا مه درج میشود. بعنوان نمونه می توان از همین شماره خبرنا مه شماره پیشین آن نام برد. در ضمن همین امکانات محدود گاه موجب میشود که در انتشار بموقع خبرنا مه خلل وارد آید و خبرنا مه با تاخیر بدست خوانندگان آن برسد و:

۴ - غلطهای چاپی خبرنا مه

اما ما همه این معضلات و مشکلات ما را میدانیم که هر روز بیشتر از روز قبل بر آنها فاش آمده و نواقص کار خود را از بین ببریم تا در انجام وظایف انقلابی خود موفق تر باشیم. با درود به رفقای که با تهیه خبر و توزیع خبرنا مه بیشترین زحمات را بردوش کشیدند و میکشند.

با اطمینان به سر روزی راهمان
خبرنا مه چریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

رفقایانی که خبر تهیه میکنید:

- ۱- تهیه اخباری که گوشه‌ای از زندگی و مبارزات خلق ما را نشان میدهد، یک وظیفه مبارزاتی است. ضمن آنکه برای با انجام رساندن این وظیفه خود را سا زمان میدهید، به نکات زیر توجه کنید:
 - ۱- خبر را با دقت و ذکر جزئیات و تاریخ و ساعت تهیه کنید.
 - ۲- به موثق بودن آن مطمئن باشید.
 - ۳- بسامت واقعه‌ای که رخ داده است، توجه کنید. برخی حرکات بوسیله بخشی از طبقه حاکمه بر علیه بخشی دیگر از خودشان صورت میگیرد و ظاهراً مردمی دارد.
 - ۴- خبر مربوط به یک رویداد یا را بیدرتگ پس از مطلع شدن از آن تنظیم نشاید و در اسرع وقت بدست ما برسانید.
 - ۵- گذشته از خبر اگر به عکسها و یا طرحهای خوبی برخورد کردید آنها را برای ما ارسال نمائید.
 - ۶- اخبار و گزارشات را حتی المقدور با خط خوانا بنویسید.
- نظرات خود را برای بهبود خبرنامه برای ما بنویسید. سعی کنید از انعکاس خبرنامه در بین مردم (با بخشی از آنها) آگاه شده، نتیجه را برای ما بنویسید.

رفقای هوادار:

مته سفانه بعلت فقدان ارتباط مستقیم جریکهای فدائی خلق ایران با هواداران در برخی از نقاط کشور عده‌ای از شیادان سیاسی خود را از اعضای جریکهای فدائی خلق ایران معرفی کرده و به اخاذی و فریب سیاسی میپردازند. بیشک آنها میخواهند ضمن ارضاء حس جاه طلبی‌هاشان، به این وسیله متن بدبینی رفقای هوادار را برانگیزند.

ما از همه رفقای هوادار خود که صادقانه شب و روز در تلاشند تا آرمانهای جریکهای فدائی خلق ایران را زنده نگه دارند، میخواهیم تا بسا هوشیاری مشت این قبیل افراد را با زکند و مراقبت باشند تا مبادا افراد و یا گروههای ساختگی و مجازی چون "شاخه صبر" در آنها نفوذ کنند و بهنگام ارتباط گیری با آنها سعی نمایند بهر وسیله‌ای که خود میدانند ما را در جریان قرار دهند و بایددانست که هوشیاری انقلابی شرط مهم حفظ عملکرد انقلابی است. با ایمان به پیروزی راهبان

شرکت فعالانه رفقای ما در جنگ بر علیه نیروهای تجاوزگر عراقی در شهرهای جنوبی میهنمان، شرکت در جنگ دو دولت وابسته ایران و عراق نیست. جنگ بین این دو دولت، جنگی غیرعا - دلانه است که منافع نامشروع قدرتهای بزرگ جهانی در پشت آن نهفته است. در حالیکه رفقای ما در جنگ عادلانه خلق بر علیه یک نیروی تجاوزگر شرکت جستند.

زند باد همه ستمگی برادرانه بین خلقهای ایران و عراق
هر چه برافراسته تریاد برجم خونین جریکهای فدائی خلق ایران
مرگ بر همه موبالسم و سگهای زخمیرش

نقته‌ی پیش‌عقاید در کارخانه‌ها

مبارزه طبقه کارگر در جامعه ما هر دم اوج تازه‌تری میگیرد. طبقه کارگر ایران که در اثر مبارزات خود و سایر طبقات و افشار خلق در جنبش اخیر مردم میهنمان به آگاهی بالایی دست یافته است. مبارزات خود را چه در زمینه دست آوردن حقوق اقتصادی خود و چه در زمینه مبارزه سیاسی وسعت داده است. جنبش کنونی خلق فهیمان ایران شاهد گسترش روز افزون مبارزات طبقه کارگر است. کتابی که اخیراً "جریکهای فدائی خلق ایران بنام" نگاه‌ی به: مبارزات طبقه کارگر (۲۳ بهمن ۵۷ - ۱۱ اردیبهشت ۵۹) منتشر شده - اندوخته بسیار بقیه جنبش کارگری ایران را نشان میدهد. طبقه کارگر ایران همکوشد تا بندهای اسارتی را که قریب است بر دست و پای او زده اند بگسلد و بار هری جنبش خلق، جامعه‌ای آزاد از استثمار و غارت امپریالیست - ها و سرمایه‌داران و استعماربانانند.

طبقه کارگر ما می‌کوشد تا آنجکه با وجود قیام قهرمانان خلق در ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷، سرانجام نرسید و از سوی سردمداران کنونی حکومت - که با سو استفاده از جنبش عظیم خلق ایران، به مذاکره با امپریالیست‌ها شسته - بکراه کشانده شده سرانجام خود برسانند. اما در این راه دشوار، موافقی در سر راه طبقه کارگر ما و سایر اقشار و طبقات خلق وجود دارد که با هوشیاری توده‌ها و رهبری صحیح سازمانهای انقلابی میتوان آنها را از سر راه برداشت. پیوند روشنفکران انقلابی با توده، خصوصاً پیوند روشنفکران پرولتری با طبقه کارگر ایران، قدرت عظیم خلق را در مسیری صحیح و انقلابی هدایت خواهد کرد. طبقه کارگر ما هم اکنون از یک سو مورد هجوم نیروهای سیاسی ای است که به آستان بوسی درگاه حاکمیت پرداخته‌اند. این جریانهای منحرف همچون جریان منحنی "کار" که از نام سازمان مابین سازمان جریکهای فدائی خلق ایران سو استفاده میکند. به نام اعتقاد به آرمانهای طبقه کارگر. کوشش مینماید تا با نفوذ در میان طبقه کارگر، مبارزات این طبقه انقلابی را به شکست بکشانند. اینان از کارگران میخواهند تا دست از مبارزه بردارند و در مقابل تمامی اعمال ضد کارگری حکومت سکوت اختیار کنند. اینان از کارگران میخواهند که نه تنها با استثمار دهند بلکه با کار بیشتر، بیش از پیش جیب سرمایه‌داران و استعماربانان بسته کنند.

از سوی دیگر طبقه کارگر مورد هجوم دائمی حکومت است. حکومت جمهوری اسلامی می‌کوشد تا از طریق عده‌ای خود فروخته در کارخانجات، شوراهای ضد کارگری را تشکیل دهد که ظاهری کارگری داشته و بنام کارگران، مبارزات کارگران را سرکوب نماید. اکنون غالب شوراهای اسلامی در کارخانجات دقیقاً همین وظیفه را بر عهده داشته و حکومت با تشکیل این شوراهای زرد به مقابله با شکل‌های واقعی کارگری برخاسته است. یک نمونه از اعمال اینگونه شوراهای زرد که حیره خوار حکومتند مناظره‌ای بود که بین وزیر کار و گروه‌های این شوراهای در باره "لغو قانون سود ویژه" در تلویزیون صورت گرفت و همه ما ما هیت اینگونه شوراهای اسلامی را یکبار دیگر سینه دیدیم. اما حکومت برای سرکوب مبارزات طبقه کارگر تنها به این شوراهای ضد کارگری دلخوش نکرده است. حکومت می‌کوشد تا از طریق سرکوب قهرآمیز مبارزات کارگری، این مبارزات را خاموش نماید. اعزام یاسداران ز-۳ بدست و گمسته‌ها به کارخانه‌ها و شناسایی و اخراج کارگران آگاه و مبارز اکنون دیگری از وقایعی است که به طور روزمره در کارخانه‌ها جریان دارد. در شرایطی که سرمایه‌داران وابسته - که از حمله آنان نهار بزرگ بازاریند - کالاهای با گرانترین قیمت‌ها به بازار عرضه میکنند و میلیونها تومان هر روزه جیب میزنند و در نتیجه، گرانی سرسام آور زندگی را بر کارگران و خانواده‌های آنان هر چه سخت‌تر نموده است. حکومت هر کارگری را تنها "بهرم" می‌بازر بودن از کارخانه اخراج کرده و بدین ترتیب هر روز بر لشکر سکاران می‌افزاید. حکومت می‌کوشد تا از طریق اخراج کارگران مبارز از کارخانجات از یک طرف آنها را از دیگر کارگران جدا ساخته و از طرف دیگر کارگرانی را که تا غلبه نهد بدیده اخراج از کار برساند. اکنون حکومت به ساساتی کارگران آگاه و مبارز در کارخانجات مشغول است و به همین منظور به نقیض عقاید در کارخانه‌ها پرداخته است. دو نمونه از این ساسات‌ها را که حکومت به منظور غلبه بر عقاید و شناسایی کارگران مبارز در کارخانجات سخن کرده است عموماً در اینجا درج میکنم.

هر چه بیشتر با پیوند کارگران با جریکهای فدائی خلق ایران

۸- کدام صفت روزنامه را مطالعه میکنید ؟ خبرها سر مقاله تفسیرهای سیاسی
 تفسیرها را اقتضای مسائل اجتماعی صفتها مضمون مضمون مضمون
 مقالات طعنی حوازی مضمون مضمون مضمون
 مطالب دیگر . لطفاً ذکر کنید .

۹- نظر شما در مورد خبر روزنامه چیست ؟ خوب است اکثریانی نیست
 ترمیم کننده است نظرات دیگر لطفاً ذکر کنید .

۱۰- ملاقاتی به بهترین خبرها مربوط به چه موضوع خاصی باشد ؟
 ۱- ملاقاتی به چه مطالبی در روزنامه درج شود ؟

۱۱- نام چند تن از بهترین نویسندگان مطالب را که بعد از انقلاب مطالعه کرده‌اید ذکر کنید .

۱۲- ملاقاتی به چه مطالبی ستیزه‌ها را بهترین اخباری درج شود ؟
 ۱- آیا فکر میکنید مطالب روزنامه‌ها سازنده‌ترند ؟ بله خیر
 ۲- اگر صورت بله از چه طریق سازنده‌ترند ؟ دلیل گروه‌ها
 از طریق دیگر لطفاً ذکر کنید .

هفته نامه ها و مجلات

۱- کدام هفته نامه یا مجله آن را مطالعه میکنید ؟ ۱-
 ۲-
 ۳-
 ۴-
 ۵-
 ۶- به چه طریق آنرا بدست میآورید ؟ خبریه گروه
 از دوستان میگیرید از طریق دیگر لطفاً ذکر کنید .

چه صفعات را در مجلات بیشتر می‌پسندید ؟
 چه ستون خاصی در مجلات بیشتر بود ؟
 نظر و پیشنهادهای دیگر در مورد مجلات

پرستشنامه اشتر خلیجی در مورد مسوولیت

ک

جهان

استان

شهر

کریه

نام و نام خانوادگی

شخصیات

مرد زن

سن

مجموعات : قدیس ابتدائی متوسطه عالی

تفصیل :

روزنامه هفتما

الف

۱- آیا روزنامه میخوانید ؟ بله خیر

۲- در صورت بله لطفاً مشخص کنید چگونه ؟ هر روز یکروز در زمان
 هفته ای یکبار ماهی چند بار

۳- تعداد روزنامه‌هایی را که مطالعه میکنید . با نام روزنامه
 سه تا پنج روزنامه بیش از پنج روزنامه

۴- چگونه روزنامه را بدست میآورید ؟ صحیح گروه
 از دوستان میگیرید از طریق دیگر لطفاً ذکر کنید .

۵- اغلب روزنامه‌ها را در کجا مطالعه میکنید ؟ منزل محل کار
 انجمن صلهای دیگر لطفاً ذکر کنید .

۶- روزنامه خاصی را مطالعه میکنید ؟ بله خیر

۷- نام روزنامه یا روزنامه‌های را که مطالعه میکنید ذکر کنید :

۱- ۲- ۳-

۱۶- آیا رئیس جمهور کنونی فردی است که به او رای دادید ؟

۱۷- آیا فریضاً الراهب رای گیری شود به او رای بخواهید داد ؟

۱۸- می توانید بگویند چرا ؟

۱۹- نویسنده و یا سخنران مورد علاقه شما کیست ؟

۲۰- توجیه را در حد توانایی خویش توضیح دهید ؟

۱- تسبیح الایلاه تسبیح الفصاحه و صمیمه سجاده و نوشته ها و گفتار چه کسانی هستند ؟

۲- آداب و عیال چه ، آیا ایت الله خمینی امام است ؟

۳- آیا شاکر به منگاری یا سیاه پامداران انقلاب اسلامی هستند ؟

سئوالات اضافی

برای افراد از ضمیمه ابتدائی تا سوم متوسطه

۱- به نظر شما چه خطرانی انقلاب ما را تهدید می کند ؟

۲- راه جاززه با این خطرات را چگونه بیان می کنید ؟

۳- چه شخصی یا اشخاصی را در پیروزی انقلاب موثر می دانید ؟

۴- می توانید نام گروهها احزاب سیاسی - مذهبی را نام ببرید ؟

برای افراد سوم متوسطه به بالا

۱- کدامیک از سازمانها ، احزاب سیاسی - مذهبی موجود را قبول دارید و کدامیک را قبول ندارید ؟

۲- با کدامیک بیشتر مایلید همکاری کنید ؟

چرا ؟

۳- چه عواملی بیشتر از همه در پیروزی انقلاب نقش داشته است ؟

گروههای مسلح روحانیت احزاب مذهبی

ممنه با هم

آدرس : _____

کلی تلفنی : _____

بسم الله الرحمن الرحيم

پرتعداد شماره ۱

نام	نام خانوادگی	تاریخ تولد	میزان تحصیلات
چشم	رضیعت	مفعل	

باسم تسبیح تسبیح سیزده مرتبه از اسماءها تسبیح صد و شصت و سه مرتبه

۱- می توانید بفرمایید چرا در کتابهای این رشته توجیه می کنید ؟

۲- آموزشهای فداشی را تا چه حد برای خود لازم می دانید ؟

الف : اصلحه های سبیک ب : سنگین ج : تسلیحات روزی د : هر سه

۳- چند ساعت در هفته می توانید از رفتن را به آموزش نظامی اختصاص دهید ؟

۴- اگر همراه با کلاسها یا آموزشهای اسلامی (ادب و روزی) باشد حاضر به شرکت در کلاسهای منبر فرستید ؟

۵- در صورت مورد بودن تا چند بار در هفته در شرکت در این کلاسها چیست ؟

۶- در صورت لزوم ، حاضر به شرکت در باوریهایی فداشی خواهید بود ؟

۷- به نظر شما چه نقشی در انقلاب سهم بیشتری داشته است ؟

الف : روحانیت ب : گروههای مسلح ج :

۸- آیا تاکنون نیز چنین بوده است ؟

۹- منظور از ارتجاع و مکرر چیست ؟

۱۰- امپریالیسم را چگونه تعریف می کنید ؟

۱۱- چه روزنامه و مجله ای میخوانید ؟

۱۲- خط امام را چگونه تعریف می کنید و چه گروههایی از همه بیشتر در این خط حرکت می کنند ؟

۱۳- آیا روشی سیاسی همیشه باید در دست روحانیت باشد ؟

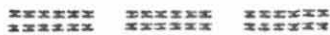
۱۴- نظریات راجع به راه بوداییون چیست ؟

۱۵- بهترین کسانها که تاکنون خواننده این چیست ؟

تهران - شرکت هوشمند

جندی پیش در شرکت هوشمند اعلام کردید کسانی که میخواهند در کلاس نعلیم اسلحه‌هاست نام کنند سادر دست داشتن دو قطعه عکس و یک فتوکپی شناسنامه سه آقای حقی مراجعه کنند. کارگران ملامت‌دهنده آقای حقی (سماپنده سپاه و یکی از کارمندان شرکت) مراجعه کرده و مدارک فوق را به او میدهد. آقای حقی بر سر نامه‌هایی با آنها میدهد تا آن را ببرد و بیاورد. سدازکلاس استفاده کنند. این پرسشنامه که در وقتاً چیری جز تقویت عقاید نبود کارگران را تا حدی شگفت رده کرد بطوری که یکی از کارگران پرسیده بود که "ای ما ما آمده ایم که اسلحه یاد بگیریم که با آمریکا بجنگیم دیگر حالا به شما چه کرده‌سی صدری داده ایم یا نه." خلاصه عده‌ای از کارگران فرم فوق را بپر کرده و تحویل میدهند. عده‌ای دیگر تا تشکیل اولین جلسه این کار را میکنند. در اولین جلسه نماینده سپاه پاسداران مطرح میکند که حتماً کلاس سپاه شود از آن استفاده کنید و چیزی جز ۲ قطعه عکس و یک فتوکپی لازم نیست این راهم که همه میتواند تهیه کند و برای ثبت نام بیاورید. در این بین یکی از کارگران آن میبرد که به ما پرسشنامه‌هایی هم داده اند پس این جبهه دیگر. مری سماپنده سپاه پاسداران میگردد به از طرف سپاه چنین مری برای آموزش اسلحه سپاه مده. وقتی که کارگران به آقای حقی اعتراض میکنند که پس این پرسشنامه‌ها چه بود، او جواب میدهد که برای شرکت لازم است که این پرسشنامه را بدهد، چون کسی که اسلحه یاد میگیرد مسئولیت دارد که این اسلحه را بطرف چه کسانی نشانه گیری میکند از این جهت باید این پرسشنامه‌ها را ببرد. تعدادی از کارگران آن محدوداً از این کار امتناع میورزند و میگویند ما کلاس اسلحه می‌آیم ولی بهیچ وجه تن به تقویت عقاید نمیدهم. البته در اینجا "تقسیم کار"ی که بین سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و آنها در کرب یعنی سپاه پاسداران و سرمایه‌داران وابسته موجود آمده. تا بدان سپهر را ایجاد نمیکند مثلاً یکی از سپاه را برای بالاسردن آمادگی مری کارگران در برار بردنشان خلق و طبع کارگر به آموزش مشغول است! سر و قاع نا درستی این سدازکلاس است! اشکب خواهد کرد و این بکار آمدن آنها است که بگویم

همه افراد و ارگانه‌های دست اندر کار رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران وابسته و عواملشان، ارباب ابداحتی بازی آموزش نظامی، سرورسی هم سمبازیه واقعی با دشمنان خلق و بیویژه کارگران نمی اندیشند و پلانهای مدبوحا به رژیم در این مورد نیز همدستی را دنبال میکنند مگر به هر زردن انرژی انقلابی کارگر. ان در یک سلسله براسامه‌های طرح ریزی شده ضد کارگری و ایجاد تحراف در میان رزات کارگران انقلابی از طریق لحن مال کردن اندیشه‌های انقلابی و ضربه زدن به عناصر انقلابی، اما لازمست یکبار دیگر یادآوری نما. شیم که کارگران با سدا این توطئه نیز هشیارانه برخورد کنند و با این نکته توجه نما بیند که نخستین و مهمترین شرط استفاده از هر گونه امکاناتی که بتواند کمکی و وسیله‌ای برای پیش برد اهداف طبقاتی آنان باشد حفظ شرافت طبقاتی و سیاسی آنهاست ...



تهران - شرکت داروگر

جندی پیش در شرکت داروگر پرسشنامه‌های مر - سوط به انجمن اسلامی در بین کارگران بخش شد تا فرم آن را کارگران بکنند و معاونان اسلامی بشوند. و در ضمن اینطور بین کارگران شایع کرده بودند که هر کس این فرم را بپر کند ضداً انقلاب است و خلاصه همسان چیزهایی که برای سرعت زدن استفاده میکنند در این پرسشنامه سواالاتی شده بود مثلاً "در مورد رهبری خمینی و خلاصه سواالاتی که بیشتر جنبه تقویت عقاید داشت و در ضمن در صفحه اول آن نوشته بودند که کسانی که معاونان اسلام می میشوند باید اساساً به و مرا ما معاونان را رعایت کنند بدون این که در باره این مراسم چیزی برای کارگران گفته باشد. در این بین کارگران نا آگاه با توجه به مطالب بالا توجه به اینکه هر کس این پرسشنامه را بپر کند اسلامی نیست پرسشنامه را بدون اینکه چیزی از مواد مرا ما آید اندر کرده و بشود تحویل میدهند. یکی از کارگران روز بعد یکی از اعضا، سورا مراجعه میکند و میگوید که "من که چیزی از این آشن نامه و مرا ما نمی دانم چرا باید برای پرسه سما مرا امضاء کنم و چرا ما بدون اسکه اول این - نامه انجمن را سدا بدهد خواهیم ار ما خواسته اند که فرم ز سر را بکنیم "عصوا که املاً" اسطر رحسن

پیش به سوی تشکیل کمیته‌های مسلح کارگری!

مقابل زورگوشی های ایسها حرفی بزنند به قول خوشان با کماری کنند. کارگران بفرموده و رسته و یکی دوشن با نکان دادن سرازاین کار خود اظهار تاسف میکنند. چند روز بعد یکی از مشاوران بنی صدر به کارخانه میسرود برای سخنرانی پیرامون تولید بیشتر و صحبت از کار و کاروفقط کار میکنند. در این بین یکی از اعضاء شورا بلند شده و در مورد احمن اسلامی تبلیغ گسترده ای می- کند و میگوید چون ما با ایده گفته آقای مشاور بنی صدر تولیدمان را بیشتر کنیم و عده ای در این زمین-ه اخلاص میکنند. احمن اسلامی وظیفه خود میداند که افراد اخلاص را معرفی کند. در این بین یکی از کار-گران و کارگری که چند روز قبل با یکی از اعضاء شورا بحث کرده بود دست خود را به علامت تمایل و اجازه برای صحبت با ما میگذارد که ما بنی صدر در بیان صحبت ها میگوید: بنده وقت ندارم، مناسف!

حرکتی را از این کارگردانانت میگوید که ما متن مرام ما مرا کم کرده بودم (!) و حالا بداشده، محاسبیم پشت تیشه ها را حوری شما بروید سر کارتان. کارگر مذکور میگوید " شما مثل ایسکه خیلی زرنگ هستی حالا که تمامی کارگران فرم را امضا کرده اند میخواستید چنین کاری را نکنید. این کار شما درست مثل ایسکه میماند که آدم پای سند خواننده ای را انگشت بزنند " که عضو شورا با داد و بیداد فریاد میزند که " یعنی چه، شما مگر اسلام را قبول ندارید " که باز کارگر میزور می- گوید " اسلام من بجای خودش. شما کلاه برداری کرده- اید " در این ضمن چندتن از کارگران اجتماع کرده و از صحبت های رفیق کارگر خود پشتیبانی میکنند و کارگر میزور رو به کارگران کرده میگوید " شما از اساس نام ما احمن چیزی میدانید که مهترانه شید بر آن زده اید از کجا معلوم که دوروز دیگر نخواهند کارگرانی که سدر

=====

دیدار پنهانی صادق طباطبائی با مقامات آلمانی گام دیگر حکومت جمهوری اسلامی در مبارزه با امپریالیسم !!

که: " جزئیات دیدار طباطبائی از آلمان فدرال افشاء نشده است ". روزنامه جمهوری اسلامی زمانی بدرج این خبر، آنهم از قول خبرگزاریهای خارجی، میا- درت کرده است که خبرگزاریهای جهان آنرا نقل کرده- اند و غالب است که بدانیم دیگر روزنامه ها و رادیو و تلویزیون کوچکترین سخنی درباره این دیدار پنهانی بر زبان نیاورده اند.

بعد از قیام بهمن ماه حکومت جمهوری اسلامی با راه از طریق صادق طباطبائی، که ریاست ساواک جدید (ساوا) را بر عهده میگیرد، با مقامات آلمانی ارتباط پنهانی گرفته است و حجاب صادق طباطبائی نیز از تمام می سواستی که در گذشته و در طول سالیان در از زندگی در آلمان، با مقامات آلمانی داشته است در ایجاد این ارتباطها مدد میگیرد.

حکومت جمهوری اسلامی که ادعای مبارزه با امپریالیسم را سردارد! کوشش مینماید تا این ارتباطها از چشم مردم ایران مخفی بمانند تا خلق ما نداند که ما بین حکومت جمهوری اسلامی و گرداسندگان حکومت امپریالیستی آلمان چه میگذرد. و اکنون نیز میبینیم که روزنامه انقلاب اسلامی دوشنبه ۳۱ شهریور ماه خیر دیدار جدید طباطبائی با هاسن دبتریش گنشر را از قول خبرگزاری فرانسه نقل کرده و در آن خبر نیز نقل از همان خبرگزاری نوشته است

دوشنبه ۳۱ شهریور ماه

دیدار طباطبائی با وزیر امور خارجه آلمان

انتخاب اسلامی

بن - جرگراری فرانسه - صادق طباطبائی همه اخیر در بن با هاسن دبتریش گنشر وزیر امور خارجه آلمان فدرال دیدار و گفتگو کرد. دیدار طباطبائی از آلمان فدرال با سه امروز اعلام شده بود حکومتی دولت آلمان اعلام داشت در این ملاقات وضع گروههای آمریکا و وضع ایران مورد مذاکره قرار گرفته است. جزئیات دیدار طباطبائی از آلمان فدرال افشاء شده.

=====

مرگ برفریبکاران و دغلبکاران

امام جمعه برای گروههای سیاسی خطونشان میکشد

ما همیشه گفته‌ایم که اکثریت قریب با تفاسیق جماعتداران حکومت که وظیفه سازماندهی آنها ترا عمدتاً حزب جمهوری اسلامی سنجیده دارد، ارادل و وابستگی اجیرته اند که حزب جمهوری اسلامی آنها را سوی مردم و بسوی نیروهای سیاسی کیش میدهد و حکومت کمترین موفق شده است تا آنها صراحتاً که را بفریبند و از آنان ما - سنجماقداران حرفه‌ای خود استفاده کند.

اکنون به قسمتی از سخنان امام جمعه تهران در نماز جمعه ۲۸ شهریور که عیناً "از روزنامه انقلاب اسلامی ۲۹ شهریور ماه در اینجادرچ شده است دقت کنید:

امام جمعه به گروههای سیاسی هشدار داد که اگر دست از توطئه برندارند نیروهای اسلامی را بجان آنها خواهد انداخت

روزنامه انقلاب اسلامی - ۲۹ شهریور ماه

جناب امام جمعه تهران بارها در گذشته نیز نشان داده است، هنگامیکه از "توطئه گروههای سیاسی" سخن میگوید، منظور او تمامی فعالیتهای سیاسی است و مقصود او از "نیروهای اسلامی" همان جماعتداران "حزب الهی" میباشد. با این او - ما ف از همین سخنان کوتاه خامه‌ای روشن میشود که سرخ جماعتداران حکومت در دست کیست و جناب امام جمعه تهران چگونه آنها را کیش میدهد.

=====

اخبار کارگری استان گیلان

کارخانه بنا - رشت: در روز سه شنبه ۵۹/۵/۲۸ حسینی روحانی نمای معروف به اتفاق تعدادی پاسدار بکارخانه "بنا" می‌آید. او حواستار پیرونده دوتن از اعضای شورای کارخانه بنا مه‌ای خبا زواخوان میشود. کارگران بمعنی اطلاع از خواسته حسینی شروع مقاومت میکنند، حسینی که وضع را ناخوار میکند، برای تقویت موضع خود، یک ماشینی دیگر پاسدار و اردکارخانه میکشند. پاسداران از ماشینی پیدا شده و بحال آماده‌یایی در مقابل کارگران می‌استندند. با اینهمه کارگران سر سحنانه مقاومت میکنند و میگویند دلتی وجود دارد که حسینی پیرونده دوتن از اعضاء شورای خواهد. پاسداران که مفاومت کارگران را مانده کردند، کلنگدن کشیدند تا با یک کارگران راه عقب نشینی و ادا رکشد اما کارگران دلیرانه در مقابل آنان ایستادند و

گفتند: مگر از روی احسان ما بگذرید تا بتوانید دونفر اعضاء شورای اخراج کنید. پاسداران میگفتند که ما حق تیراندازی نداریم. کارگران میپرسیدند "پس چرا کلنگدن میکشید". بهر حال حسینی فتوی داد که دو نفر عضو شورای با ادا اخراج شوند. حتماً "حسینی مدعی است که طرفدار" مستضعفین "است و پاسداران نیز خود را پاسداران انقلاب میدانند؟!

* * *

کارخانه پوشش رشت: پس از فشارهای

بسیار بر کارگران و اعضاء شورای کارگران کارخانه پوشش رشت در تاریخ ۵۹/۵/۳۰ حسینی به اتفاق تعدادی پاسدار بکارخانه آمد. او در "تشریف فرمائی" خود در آن واحد شورای کارگران را منحل شده اعلام نمود. هرگونه اجتماع کارگری را ممنوع کرد، پیرونده افراد مبارز و کارگران عضو را خواست و فتوی داد که آنان را اخراج کنند و اعلام نمود که اگر از این پس نامه‌ای مهر شورای کارگری را داشته باشد، اعضاء شورای اقدام کننده آن نامه تحت تعقیب دادستانی قرار میگیرند.

* * *

کارخانه ایرپرسلان رشت: مدیر کارخانه به ماه مورین

انتظامات دستور داد که از ورود چهار نفر از اعضاء شورای کارگران بکارخانه جلوگیری نمایند. اما ماه مورین انتظامات کارخانه زیر بار این دستور صد کارگری او رفتند. از طرف مدیر کارخانه حکم اخراج این چهار نفر که همگی عناصری مبارزند و از محسوبیت بسیاری در بین رفقای کارگری برخوردارند، صادر شده است.

=====

گیلان
سمونه ای از سیاست صدکارگری
رژیم در شرکت پیش ساخته

شرکت پیش ساخته وابسته به سازمان گسترش و توسعه سازی صنایع ایران است. این شرکت برای کارخانه خوب و کاغذ گیلان "جوکا" کار میکند و در حدود ۳۰۰ نفر کارگر و کارمند دارد. مدیر عامل این شرکت شخصی به نام مرتضی کریشانی است که در آمریکا به تحصیلات اشتغال داشت و پس از قیام به ایران آمد تا مانسند دیگر "انقلابیون وارداتی" به میوه حسینی بپردازد. معاون شرکت نیز شخصی بنام ورام بطروسیان است. این شخص سوابق درختانی دارد! او قبلاً "افسر پیمان ستو و عضو حزب فاشیستی دانشناکسیون بود. حساب بطروسیان قبلاً در قسمت حمل و نقل "جوکا" کار می کرد ولی با افشاکگری سرخخانه کارگران، پنهان و اکی - بودن جناب بطروسیان روی آفتاب دواز کار اخراج

شد. اما مرتضی کربلایی اورا بعنوان معاون شرکت سبش ساخته بکارگمارد.

بطروسیان که "خاطرات تلخی" از کارگران دارد، در ابتدای ورود خود بکارخانه، کوشید تا با زبان حرب و نرم خود، کارگران را بفریبد. او همیشه دم از حقوق کارگران و پایداری شدن آن میزد و میگفت که: "حق شما کارگران را قبلاً میخورند و حقتان را بشما میدادند، ولی من شما همه آنرا بشما خواهم برنجات بدهم". او سپس در مورد زندگی شخصی اش داد سخن میداد و میگفت که "همه زندگی من یک چمدان و یکسگ بنوست". ولی کارگران همه میدیدند که این آقای عادل از ماشین بنیزر شرکت نمیکند. جناب بطروسسیسان همیشه گلنتی به کمردار و در سطح کارخانه جولان میدهد و به توطئه جینی بر علیه کارگران میپردازد. او که در ابتدای ورود بکارخانه دم از حقوق کارگران میسزد، اکنون میگوید: "هیچ کاری نباید بگویند که چرا من ماشین خارجی سوار میشوم و در ضمن کارگران نباید در شرکت از سیاست کشور حرفی بزنند". جناب بطروسسیان برای آنکه مطمئن شود که کارگران در کارخانه از سیاست حرفی نخواهند زد، از نسائی تحریکات خود در ساواک و پیمان سنتو و حزب دانشاکیسون حوذه جاسوس و عدهای از کارگران ناآگاه را احیر کرده و از آنان بخواه عنوان جاسوس استفاده میکنند تا هر کاری را که از سیاست حرفی زده او معرفی کنند.

عماد کربلایی، برادر مرتضی کربلایی مدیر عامل شرکت، به کار در شرکت پرداخته است. جناب عماد کربلایی که پایه تحصیلی اش سیکل اول دبیرستان است به پارتنی برادرشان ۸ هزار تومان در ماه حقوق میگیرد. با آمدن عماد کربلایی ب شرکت باسد کربلایی ها - بطروسسیان تکمیل شد. اعضای این باند حقیقتهای کلانی دریافت میکنند و به هر کاری که بخواهند اقبال آنها اعتراض کنند ما رک "مدا انقلاب" میزنند. چند نمونه از اعمال فدکاری باند کربلایی ها - بطروسسیان میتوانیم ما هیبت کثیف آنها را بخوبی نشان دهیم: صدی پیش آنها قومی را بکارخانه آوردند و از کارگران خواستند تا این فرم را امضاء کنند. طبق این فرم کارگران بصد میگردند که برای رفتن به گردن دستان و جنگیدن با خلق کودآما دگی دارند.

عدهای از کارگران به اسکا رشدها "اعتراض کردند. کارگران میگفتند که چرا ما با این کار میسزد را امضاء کنیم؟ جناب بطروسسیان که ما مور جمع آوری امضاء شده بود در جواب گفت: "این عمل بیندستی

از جمهوری اسلامی است و اگر کارگری آنرا امضاء نکند به او وام نمیدهیم و با اخراجش میکنیم".

عدهای از کارگران اخبار را "این فرم را بپر کرده و آنرا امضاء نمودند و تلویزیون گیلان هم ساز و دهل تبلیغ نمودند که کارگران اعلام آمادگی نموده اند که بگردستان بروند!!

یکبار یکی از کارمندان به جمعی از کارگران گفته بود: "شما که همیشه در این کارخانه زحمت میکشید تا گزیده که نیروی کارتان را در عوض لقمه نانی که این مفتخوران بشما میدهند در این کارخانه مصرف کنید. در صورتیکه عدهای دیگر با حقوقهای کلان پشت میزها بستان نشسته اند و شمره زحمت شما را تقسیم میکنند و با امضاء قراردادهای امیرالیمستی شما را بیش از پیش اسیر میسازند. باعث خوشختی آنان شما شید و باعث سیه روزی شما آنهاست".

جناب بطروسسیان فی الفور حکم اخراج این کارمند را صادر کرد. اما کارگران که از جریان "حکم اخراج" مطلع شده بودند، شندها "اعتراض کردند و بطروسسیان بناچار عقب نشست و حکم اخراج کارمند مزبور را بخواه نمود ولی برای آنکه خدای ناکرده کارگر - این بیرو شوند!! از نماینده خمینی کمک گرفت. نماینده خمینی، حاجی احمد کریمی است.

حاج آقا کریمی که پرونده اش در درگیریهای بزه "سر" طوالتش از روز روشن تراست دست حاج آقای کتاب صادق هدایت را از پشت بسته است. حاج احمد کریمی به اتفاق سرپرست سپاه پاسداران در کارخانه چوکا، به کارخانه آمد تا از کارگران زهر چشم بگیرد. او در جواب کارگرانی که با قاطعیت اعلام کردند که "در صورت اخراج این کارمند، حکم اخراج ما را هم باید بنویسند" شیرمانه پاسخ داد که "اگر اعتبار هم بکنید همه شما را بگلوله میسندیم" اما از آنجائی که توپ و تشره های حاج آقا در برابر چشم کارگران راه به حاشی نبرد. بالاخره حاج آقا را می شد که از کارمند مزبور تمهید بگیرد که دیگر از سیاست حرفی نزنند و با کارگران تماس نگیرد. در غیر این صورت بلافاصله اخراج خواهند شد.

آیا سیاستهای مدکاری حکومت جمهوری اسلامی در برابر سبیل عظیم جنبش کارگری راه حاشی خواهد بود؟ نیروی قدرتمند و بولادس کارگران منهن مسامحی این عناصر ضد کارگروست را با تمامی حیلها و سرنگها بستان همچون خن و خاشاکی ارشراه خودیاک کرده و آنرا به زبانه دار تاریخ خواهد سپرد.

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

کارگران روزمضمحلان!

انجمن شما روز به روز بر اندام مدیران و حاکمین

وابسته به امپریالیسم انداختن است.

آنها قاصد دارند انجمن اتحاد نشو و راهیان منحل

نه اینند بی انجمن اتحاد یکپارچه و منقار هست

همه جان سپردن و اتحاد نشو و راهیان حاکمین

ببخشید!

فاجعانه "میرکبکی" در اول عقرب ایران ۱۳۵۹/۵/۲۸

کارگران به چپ پیوستند!

آیا در مقابل دریافت حداقل ۱۰۰۰۰۰ یکصد هزار ریال

سه صد روز سال از دلزریق اتحاد خود و اتحاد

شو راهیان و ترسیرها حقوق قانون سه صد روز وقت همو بیسب

قانون شرکت در منافع کارگاه جداگانه در بیافشش

۸۵۰۰۰ ممشندان و پیسج هزار ریال ماهیست دهند کارگری

خود را نشان ندهاده است!

دانشگاه "میرکبکی" در اول عقرب ایران ۱۳۵۹/۵/۲۸

اصفهان : روز دوشنبه ۵۹/۶/۱۱ در یکی از کارگاههای ساختمانی دوب آهن، کارگاه سوره ۶۵۰، یک رفیق کارگر بنام علی محمدی در کجاده دلخراش جان خود را از دست داد.

حریان از این فرار بود که گویا یکی از کابلهای مربوط به حریق یکی حاجا تده بود و گفته بسیاری از کارگران، یکی از مسئولین کارخانه علی محمدی را برای جاساختن آن بسالا فرستاد، که او دچار مانع شد و جانش را از دست داد.

در مورد نحوه این حادثه گفته ها مختلف است. مسئولین کارخانه وعوامل آنان سز میگویند سوع مرگ مشخص نبود و با بحث شایعات گوناگون به حواسم

دانش میرکبکی تا بلکه بتواند قصبه را لوٹ کرده آنرا از دهن سایر کارگران خارج سازند. اما کارگران نسبت به بی توجیبی مسئولین اعتراض کردند و دنباله موضوع را گرفتند. بخصوص آنکه این رفیق کارگریک کارگر انقلابی بوده که در برخورد های مختلف با مسئولین کاملاً شجاع شده بود. خیلی از کارگران معتقدند در فرستادن وی به بالای حریق، تعمدی در کار بوده است.

برای محو آثار این ضایعه و معرفی کردن ذهن کارگران فردای آرزو عده ای معلوم الحال در کارخانه دست به تریائی نماز وحدت زدند!

مردم مبارز ، رفقای هوادار ، سازمانهای سیاسی

آقای اسماعیل راشی ، دانشجوی سال چهارم رسدروانشناسی دانشگاه تبریز ، مولد آبادان از تاریخ ۲۴ اسفند ماه تا ۵ در مسر راه تبریز - آبادان مقصد گردیده است و تاکنون هیچگونه اطلاعی از ایشان ندیده ایم. از شما می گسائی که در استان اطلاعی دارید خواهشمندم گزاره هر طریقگی که می توانست ما را مطلع گردانید.

یکی از رفقای هوادار گزارشی از " نشست کارگران پروژه‌های (فصلی) آبادان " تهیه و برای ما ارسال کرده است . ما این گزارش را عیناً " درج می-کنیم و از تمام رفقا بویژه آنهایی که در زمینه مسائل کارگری تجربه اندوخته-اند ، دعوت میکنیم با نظریات مندرج در این گزارش فعالانه برخورد نموده ، چنانچه انتقادی و یا توضیح تکمیل‌کننده‌ای و خلاصه‌های رایج به آن دارند برای ما ارسال دارند . باشد که با اینکار ما هیت واقعی هر شکل کارگری بیشتر مورد تدقیق قرار گیرد و ابهاماتی که در امر سازماندهی کارگران وجود دارد زدوده شود و کارگران با درک مضمون فعالیت‌های تشکلی هائی از قبیل شورا ، سندیکا ، اتحادیه و ... ذهن خود را از سردرگمی نجات بخشند و از توهمات و ادراکات نادرست بیا-لایند و مصممانه تر در راه ایجاد آن تشکلی که برآستی انقلابی و در خدمت منافع طبقه کارگر باشد ، گام بردارند .

((نشست کارگران پروژه‌های (فصلی) آبادان))

جمعه ۵۹/۶/۱۴

بعد از قیام توده‌ها و فرار عده‌ای از سرما به داران و خوابیدن کارخانه‌ها بده زیادی از کارگران پروژه-ای آبادان بیکار شدند و برای رسیدن به وضع خود اقدام به تشکیل سندیکا نمودند که سنگ اندازیهای دولت و حمله فالانژها باعث تاخیر در تشکیل سندیکا شد . ولی کارگران که از فرط بیکاری نان شب خانواده خود را نیز نمی توانستند در بیاورند با مقاومت و سرسختی زیاد توانستند سندیکائی (در ایستگاه ۸) تشکیل دهند که با استقبال عده زیادی از کارگران که حدود ۳۷۰۰ نفر بودند این سندیکا شروع بکار کرد . رژیم که می دانست امکان دارد این محل ، مکانی برای اجتماع نیروهای مترقی شود و در این میان آگاهی کارگران فزونی بیا-بد ، تا آنجا که میتوانست در کار این سندیکا اختلال کرد .

آخرین حربه رژیم تشکیل تعاونیهای طرح و گسترش (که البته این طرح در تمام ایران انجام شد) بود که باعث شد اکثریت کارگران جذب این طرح شده و سندیکا بصورت نیمه تعطیل درآمد . علت این امر دو چیز بود: یکی اینکه مسائل سندیکائی و معنای مفهوم سندیکا برای کارگران توضیح داده نشده بود و دیگری ، نحوه طرح عملی در مقابل کارگران ، در نتیجه آنها نیز به محض فهمیدن این مطلب که دولت ، تعاونیهای تشکیل داده و بول در اختیار کارگران بیکار قرار میدهد تا برای خود کاری راه بیندازند ، بدون اینکه از ماهیت این اقدام دولت آگاهی داشته باشند ، جذب این تعاونیها شدند و دولت تا حدودی بمقصود خود (البته در آبادان) که به بسنی سندیکا بود ، رسید . و از آن زمان تا کنون کارگران حتی سری هم به سندیکا نمی‌زنند و هر کس بی کاری برای خود درفته است . البته به جز این دلایل ، دلایلی دیگر نیز وجود داشت که بهتر است از زبان خود کارگرانی که در این جمع شرکت کرده اند بشنویم . لازم به توضیح است که این نشست ، چهارمین نشست آنهاست . که از اول شروع آن عده کمی در حدود ۲۰ نفر شرکت داشتند و این هفته بر اثر کوشش کارگران تعداد آنها به ۶۰ نفر رسید .

در شروع جلسه یکی از کارگران من ، از وضع بد کارگران و نیاز مدن آنها به سندیکا صحبت کرد و خواستار این شد که با سندیکا را تعطیل کنیم و با برنامهای برای ادامه کار آن طرح ریزی شود . کارگرد دیگری که خسود عضو هیئت مدیره سندیکا بود به این موضوع اشاره کرد که : " زمان کار این هیئت مدیره تمام شده و بایاید انتخابات مجدداً شروع شود ، زیرا طبق اساسنامه سندیکا بعد از مدت مقرر هیئت مدیره بطور خودکار از سمتی که دارند برکنار خواهند بود " . حدود یک ربع در باره این مسئله بحث شد . عده‌ای میگفتند که با این تعداد کارگران نمی-توان انتخابات محدود کرد و عده‌ای میگفتند که ۵ نفر را موقت سرکار بگذاریم که در این مورد تصمیم قطعی گرفته شد . و مسئله دیگری که مربوط به تعاونیهای طرح و گسترش و وضع کاری کارگران بود عنوان شد . کارگری میگفت : شرکت پتروشیمی ایران - زاین عده‌ای کارگر احتیاج داشته که حدود ۹۰ نفر کارگر زاین پتروشیمی ، بسلیبسی . استخدام کرده است و ما بایاید به طریقی سعی کنیم در این شرکت استخدام شویم . کارگرد دیگری میگفت : " برای استخدام شدن اولاً " طرح و گسترش آبادان باید شماره طرح و گسترش استان معرفی کند کارگران آنجا سرما مقدم هستند باید تمام کارگران آنجا سرکار بروند ، بعد اگر جای خالی بود ما را میفرستند . مسئله طرح و گسترش که مطرح شد یکی از کارگران از بوج و توخالی بودن این طرح و اینکه این طرحی است که معط تا کما ما را سرگرم میکند و بخاطر وضع اقتصادی مملکت و رقابت با بازار این طرح عملاً شکست میخورد

میتود که مقداری از آن برای خرید وسائل کار و مقداری هم صرف حقوق میتودولی کاری در اختیار آنها قرار داده شده است. اگر هم کاری باشند از آنها میخواهند. مثلاً فلان کاری را که مخارج آن بفرصت یکمیلیون و حوردهای است، سادویست هزار تومان تمام کنند و مسلماً فشار زیادی بکارگران وارد خواهد آمد و آنها زیر بار اسن کار نمی روند.

بعد از صحبتها موضوع اصلی نشست عنوان شد که: چگونه می توانیم کارگران را دوباره به سندیکا جلب کنیم و چه کار عملی میتوان جلوی پای آنها قرارداد. یکی از کارگران گفت: باید علتهائی را برررسی کنیم که باعث شده کارگران از سندیکا سرگرد. یکی از علتهای اصلی آن گروه سازی در سندیکا بوده، هرگاه کاری شروع به صحبت میکرد، گروه دیگری او را میکوبید. مسائل سیاسی زیادتر از مسائل اقتصادی مطرح شده است بعدی که به مسئله اقتصادی کارگران اهمیت داده شده و آنها نسبت به سندیکا بدبین شده بودند. دولت نیز مرتباً تبلیغ میکند که این سندیکا، سندیکای کمونستهاست به این ترتیب به این توهم بیشتر دامن می زند. همچنین این سندیکا در کارهای آموزشی به کارگران سهل انگاری کرده است و برنامه آموزشی درست برای آنها طرح ریزی نکرده و کارگران را با مضمون اصلی سندیکا آشنا نکرده است و نگفته که سندیکا فقط محل کارگران بیکار نیست بلکه کارگرانی هم که سرکار هستند باید به اینها بیایند و بر مسائل و مشکلات کاری گری صحبت کنند. کارگری میگفت: بعضی از کارگران سندیکا را با حزب اشتباه گرفته اند و فکر میکنند میتوبند. ایند حزب تشکیل دهند و در فکر زنگونی حکومتند. و بقولی کارگر هنوز تاتی تاتی بلد نیست او را گذاشته اند اسارت دودمیترو میگویند و دیگری میگفت: از همان اول کار عملی در مقابل کارگران نگذاشته اند که از نظر اقتصادی گامی باشد در جهت خواستههای آنها و روی این اصل است که کارگران دیگر اینجانی آیند مثلاً خود من پول سیگارم را قرض کرده ام و پیرهن چهار سال بینم را می شورم و می پوشم. ولی به این سندیکا هنوز ایمان دارم و هنوز کارت آنرا هم پاره نکرده ام در صورتی که کارگرهای دیگر کارت آنرا هم پاره کرده اند. بعد از بحثها و استقاداتی که به سندیکا گرفته شد، قرار بر این شده که هفته آینده کارگران هر طرح و پیشنهادی برای سندیکا دارند که بتوان کارگران را دوباره جمع کرد بنویسند و یا شفاها "آنرا بیان کنند و پیشنهادی که این عده از کارگران یا دیگر کارگرانی که عضو سندیکا هستند در این جلسه شرکت نکرده اند، صحبت کنند و برای هفته آینده کارگران را برای صحبتهای نهائی در سندیکا جمع کنند تا هم بتوانند در مورد انتخابات جدید و هم در مورد طرح عملی صحبت کنند.

=====

سیاهی کراخی مدادر

کارگران نسبتاً با تجربه و مبارز چگونه میتوانستند به نمایندگان انقلابی رای دهند و درستی این کار خود را برای سایر کارگران تشریح نمایند؟ نکته دیگر در این انتخابات آنکه احساسات نامتوازن بویالیستی و جسم و همجسمی بین ترکها و کردها که عوامل گردانندگان شرکت آن دامن میزنند، باعث شد برخی از کارگران، با آنکه دل حوشی از فلان کاندیدای نمایندگی داشتند و با آنکه اینگونه کاندیدها را اعمال و مبارز در راه سافع طبقاتی خود نمی دانستند، با ایوصف آنان را به نمایندگی برگزینند و این همان جری است که سرمایه داران و واسطه عوامل آنان در مدادر خواستار آن هستند.

های انقلابی، شرایط را برای سو خود آوردن زمینیه های فعالیت جهت دست زدن به شروع عمل انقلابی آماده سازند. در آن شرایط دیگر کسی از خود فروختگان حکومتی حرات ندارد با شلاق با کارگران مقابله نماید و کارگران آگاهانه و آزادانه آنان را که در جهت ایجاد و حفظ این شرایط و مبارزه فعال برای دفاع از منافع کارگران گام بر میدارند معوان نمایندگان واقعی خود برخواهند کرد. علاوه بر رفتار توهین آمیزی که سه عنوان حفظ "نظم" نسبت بکارگران اعمال میشود، جسمی در درون سالن با یک کلت در دست، سرخریبان انتخابات نظارت میکرد!! در یک جنس فعالیستی

=====

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

-۲-

۴- جامه‌خانه صنعتی اصفهان، چوب‌بیت‌المان مسعودیه با بستن در اختیار همگان در جهت تولید انقلابی و رایج‌تر و چون شوراهای اسلامی کارگران پالایه‌خانه و عدالت همواره در پیگیری موارد پیشرفت م بود. لذا از مسئولین چاب‌پسته همرا - خواهانیم که هرگونه وزارت مربوط به این پیشرو حاضرانکه در رابطه با مسائل و مشکلات گوناگون که درک می‌شوند جاب و کتیرتند - از آنجا که کارگران مرکز خوارساز رسیده بود موضع پیش‌بینی در جلسه جمعیتی بود به تکلیف مسئولین در جهت عطف آنگاه و انستار ترار او - حقیقت به تبران انجمن همی از جمله در یکماه اول است که در تهران و در جهت وقت‌گیری مسئولین وزارت نفت وزارت کار و رفاه و نتیجه و حصول توافق، به آید این را نکست نمودند .

شورای مرکزی ارتکبه مسئولین اینستا برار را طمانه و هرچه سر به سر استانه بهره‌گاران در جلسه جمعیتی را مورد بررسی و موافقت قرار داد مسئولین

شورای اسلامی کارگران پالایه‌خانه و عدالت آباد آنج سرگزینی

این صورتجلسه از طرف شورای اسلامی کارگران پالایه‌خانه و عدالت آبادان - بر مری صادر شد .

۱۳۵۹/۹/۱۹

بنام خدا

۱- در روز - پنجم مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۹ مجلسی به دستور آریکبه از بنامیدگان شورائی اسلامی که در آن با مسئله و عدالت تمام آید بر سر برگزینی آنان ۲۲ تن تکلیف برین ارتکب و کمیونس‌مان زیر سر

۲- اینده مسئله کارگران روزبه مسلمان و تقویتی صد و بیست و نه (۷۱/۵۹) کله‌الا بنشاه مورد نظر خواهی قرار گیرد که به اثر از اجازت بنامیدگان از طرف شورائی کارگاهها بنامیناق

۳- در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۹ مجلسی به دستور آریکبه از بنامیدگان شورائی اسلامی که در آن با مسئله و عدالت تمام آید بر سر برگزینی آنان ۲۲ تن تکلیف برین ارتکب و کمیونس‌مان زیر سر

۴- در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۹ مجلسی به دستور آریکبه از بنامیدگان شورائی اسلامی که در آن با مسئله و عدالت تمام آید بر سر برگزینی آنان ۲۲ تن تکلیف برین ارتکب و کمیونس‌مان زیر سر

۵- در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۹ مجلسی به دستور آریکبه از بنامیدگان شورائی اسلامی که در آن با مسئله و عدالت تمام آید بر سر برگزینی آنان ۲۲ تن تکلیف برین ارتکب و کمیونس‌مان زیر سر

۶- در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۹ مجلسی به دستور آریکبه از بنامیدگان شورائی اسلامی که در آن با مسئله و عدالت تمام آید بر سر برگزینی آنان ۲۲ تن تکلیف برین ارتکب و کمیونس‌مان زیر سر

۷- در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۹ مجلسی به دستور آریکبه از بنامیدگان شورائی اسلامی که در آن با مسئله و عدالت تمام آید بر سر برگزینی آنان ۲۲ تن تکلیف برین ارتکب و کمیونس‌مان زیر سر

۸- در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۹ مجلسی به دستور آریکبه از بنامیدگان شورائی اسلامی که در آن با مسئله و عدالت تمام آید بر سر برگزینی آنان ۲۲ تن تکلیف برین ارتکب و کمیونس‌مان زیر سر


۹- در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۹ مجلسی به دستور آریکبه از بنامیدگان شورائی اسلامی که در آن با مسئله و عدالت تمام آید بر سر برگزینی آنان ۲۲ تن تکلیف برین ارتکب و کمیونس‌مان زیر سر

آریکبه بنامیم

آبادان : " کمیته پاکسازی " وزارت نفت عده ای از کارگران را از کار برکنار نمود . بین این کارگر-ان جهره های و خوددارند که بدلیل شرکت در مبارزات کارگران و کوشش برای دستیابی به حقوق حقه خود اخراج شده اند .

اعضای هیئت " پاکسازی " عبارتند از آقایان حدادی ، تندگویان ، صرافی ، اجل لوشیان و بکنفردبگر . برای آنکه بیشتر به هیئت این هیئت پی ببریم ، سخنانی که آقای معین فرناز بنده تهران روز پنجشنبه ۵۹/۷/۲۳ در مجلس شورای اسلامی درباره یکی از اعضای هیئت (تندگویان) اظهار داشت ، اشاره می نمائیم . در مورد شخص مزبور آقای معین فرگفت : " در تدین و ایمانشان ، اگر بنا باشد نماز جماعتی راه بیفتد ، پشت سرشان نماز خواهم خواند ، فعالیتشان بسیار بوده و گره گشائی خیلی از مطالب ما بودند " آقای معین فرهمان کسی است که مطابق با اسنادی که چندی پیش پخش شد ، آنقدر مورد اعتماد ساواک آنها - مهربی بود . وقتی ایشان حاضر با شد پشت سر کسی نماز جماعت بخواند ، دیگر خود بخود پیدا است که آن پیشنهاد برآستی " گره گشائی " مسائل آقای معین فرو همپا لگنها پیش که چیزی جز سرکوب مبارزات توده ها بویژه کارگر-ان و تحکیم سلطه ارتجاع نیست ، میباشد .

سخننامه زیر یک نمونه از " پاکسازی " هیئت فوق در وزارت نفت را نشان میدهد :



جمهوری اسلامی ایران
وزارت نفت

شرکت نفت ایران
مناطق نفتی

شماره : ۵۹/۱۸۸
تاریخ : ۱۳۵۹/۶/۱۲
پوست :

سنة تعالی

بفنامی

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَمَلَةً غُنَّ بِهِمْ فَتُحِبُّهُمْ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالَّذِينَ هُم مِّنكُمْ

سورج پنه (سوره بقره - آیه ۲۲)

(ای رسول) هرگز مردی که ایمان به خدا و روز قیامت آورده است چنین نخواهی یافت که دوستی با دشمنان خدا و رسول کند هر چند پدران یا فرزندان و برادران و خویشان آنها باشند . جنس مردی خدا بر دلهاشان نور ایمان نگاهداری و به روح نفسانی آنها را موند و منصور گردانیده .

به این وسیله با اطلاع عموم کارکنان مناطق نفتخیز میرساند که نامبردهگان ذیل طبق رای شماره سی سی ان ۲۸۵ مورخ ۵۹/۶/۲۹ کمیسیون پاکسازی وزارت نفت از تاریخ ۵۹/۶/۱۷ از کار معلق و حقوق و مزایای آنان قطع گردیده است . بنابراین این افراد باسستی فا صدور رای نهایی از طرف مقامات ذیل علاج از ورود به کلیه مراکز و تاسیسات صنعت نفت اکیدا " خودداری نمایند .

ام و نام خانوادگی	شماره کارشناسی/کارگری	اداره
۱- دارنوش شپورزی	۶۹۳۰۸	سپهر برداری مازون
۲- جلالی روستی	۶۹۶۲۵	فصلی مازون
۳- محمد مواد شانی	۶۷۱۲۱	سپهر برداری اهواز
۴- شبر معمل	۶۸۹۲۲	مهندسی نفت
۵- منیرضا حمیده خور	۶۲۲۵۵	زمین شناسی اهواز
۶- عباسی سیدی	۶۵۲۹۲	گاز و گاز مایع
۷- سید باقر امینی دهگردی	۶۵۱۲۰	مهندسی نفت
۸- استامیل باقری	۱۷۷۹۸۳	تعمیرات
۹- علامرضا محدری	۵۵۷۲۹	مهندسی نفت
۱۰- خیراله بیسازاده	۲۷۸۲۱	زمین شناسی
۱۱- عبدالعزیز سعدی	۶۷۶۰۹	گاز و گاز مایع
۱۲- طبر حاجیوند	۲۰۹۸۹۵	سپهر برداری مازون

۵۹/۷/۳
محمدرضا شامی
معاون اداری و مالی سرپرست هیئت مدیران

سهرری اسلامی تمام مسوچهرها با با کد صمن شرکت
 فعالانه در سرکوب نیروهای انقلابی و مبارزات مردم
 در مسجد گلشن با بل سیز در شمار قرآن خوانان بود
 سیت قبلی به هما به خود پیشنها د نمود حنا به در هنگام
 قطع آب ، به آب ساز پیدا کردند . میتوانستند از خانه
 وی احتیاج خود را تا مین نمایند . این آقا که ما -
 هیت او بعنوان یکی از سرجما قداران با بل و یکی از
 جیره خواران فعال رژیم جمهوری اسلامی بر همه مردم
 شهروشن است .

همچنین پیشنها د کرد که برای حمل آب خدمتکار
 خود را بمنزل او بفرستند و حتی از اینکه خودش بعلست
 مشغله زیاد قادر با انجام خدمتی نیست ، عذر خواهی
 نمود!

هنگامیکه دخترک یازده ساله (خدمتکار) برای
 آوردن آب بداخل منزل نا مبرده رفت ، این هرزه
 کشف با و نزدیک شد و بی تردید اگر میتوانست بیشتر
 ماه ترین اعمال را مرتکب میشد .

دخترک گریه کنان از خانه گریخت و ما جرار را با
 خانم همسایه و سایر اهالی محل در میان گذاشت .
 مردم در برابر خانه مسوچهرها با ما اجتماع
 کردند و برای رسیدگی بموضوع اسندا " سیاه با سداران"
 را در جریان قرار دادند که از خود سلب مسئولیت نمود و
 سپس به شهر با نی تلفن زدند .

از سوی شهر با نی جندها ، مور محل ا عوام شدند
 و چون اهالی محل مصرا " خواستار دخول به خانه آن
 و لگرد و بیرون کشیدن وی بودند ، ماء مورین پس از
 تحقیقات محل را ترک و با حکم دادستانی بازگشتند
 و همراه چند تن از اهالی محل بدرون خانه رفتند .
 مسوچهرها با ما از سوی دیگر فرار کرده بود ما
 اهالی محل در خانه او اس جیره را کشف کردند بیک
 نانکره ۲۰۰۰ لتری سرشار از نفت

سوز گوشنی بمقدار زیاد
 سگاروبینتون چندین پاکس
 محلات حاوی تما ویر مستهجن
 جالب اینجاست که پس از سواشی افتتاح آمیری
 که این مزدور رژیم جمهوری اسلامی بالا آورد - دوروز
 بعد در تاریخ ۵۹/۷/۹ همالکتیهای او در سیاه با سدار
 ان (ساکسته) به محل ریخند و کوشیدند تا بقول
 خود برای اس هرزه گردی شرم آبروشی کس کنند!

گملا ن - روضه آستانه
 ۱- در رسته ۵۹/۶/۱۵ خلخالی جلاد در حالیکه در
 ماس صدگلوله ای بسته بود به روضه شهر وارد شدند .
 در حالیکه ما تن خلخالی را عده ای او باش و با سدار

ولی مردم هیچ عکس العملی از خود نشان نمیدادند .
 سپس خلخالی در جلوی مسجد روضه شهر برای همان ار اذل
 واویاش و با سداران اسکورتش و تعدادی کودک خرد -
 سال سخنرانی کرد و پس از آن دستور پاره کردن اعلامیه
 ها و تراکت های سازمانهای سیاسی را صادر کرد .

با سداران مسلح خلخالی نیز در حالی که شمار
 " مرگ بر منافقین " را میدادند تمام اعلامیه و تراکت
 ها را پاره کرده و بعد از آن بطرف یونل (دره کیلوی -
 متری روضه شهر) حرکت نمودند . در یونل آنها سه دکه
 هواداران با زمان مجاهدین حمله کرده و آنرا و سران
 ساختند .

مردم در برابر شرارتهای آنها میگفتند ، ای
 خلخالی جلاد کوردستان را با خاک و خون کشید حالا می
 خواهی اینجا را هم مثل کوردستان بکنی .

۱- در ساعت ۱۰/۵ روز دوشنبه ۵۹/۶/۳۱ با سداران
 مزدور به گتای فروش هواداران سازمان معاهدین
 خلق حمله کرده و بیوستروکتا بهار را باره کردند . مردم
 نیز که از این اعمال آنها بترساده اند ، آنها را عو
 کردند و با شعار مرگ بر با سدار ، مرگ بر با سدار ، و کوی
 آزادی ، مقابل با آنها شافتند . و با سداران مزدور
 نیز برای قدرتنمایی شروع به تیراندازی هواشی و
 زمینی کردند که در اثر تیراندازی آنها ، یکی از افراد
 زحمتکش روضه شهر که شاگردخانه است از ناحیه پانچیر
 خورد و بدین ترتیب براعمال سنگین با سداران عملی
 دیگر نیز اضافه شد .

روزی با سداران : روز دوشنبه ۵۹/۶/۲۳ بین یکی
 از روستایان زحمتکش و زمیندار بزرگ محل بنا م حاج
 - با با یورا احمد و پسرش نصرت یورا احمد ، مشاخره ای در
 گرفت که زمیندار و پسرش روستایی زحمتکش را کشتک
 زدند . او پس از آنها سه پاسگاه ژاندارمری شکایت
 کرد که فرما بده پاسگاه به شکایت این کشاورز ترتیب
 اشربداد . کشاورز زحمتکش بین تکلیت خود را به سیاه
 با سداران حوکار برد . سیاه با سداران حوکارش را به
 حاج با با یورا احمد را با اتفاق به پسرش دستگیر کرده و
 به حوکار می برد . ولی پس از چند ساعت آنها را آزادی
 کند .

نکته حالت اسحا است که روز بعد نصرت یورا احمد
 به اتفاق حید با سدار محل آمده و به ما ره کردن اعلامیه
 ها و تراکت های که در او در دیوار رده شده بود . میر -
 دارد ، او به با سداران میگفت که اسحا مطورش با -
 زمانهای سیاسی بود کشاورزان را تحریک میکنند
 تا ما را آزار دهند و در حالی که شعارهای روی دیوارها
 اشاره میکرد ، میگفت که همه اینها کار کمونیستهاست
 دنباله در صفحه (۲۰)

جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن



جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن در میان جریانات متنوعی که در درون جنبش عبارتانی ایران وجود دارند، ایدئولوژی سیاسی چریکهای فدائی خلق ایران را تنها تفسیر درست و انطباق مارکسیسم-لنینیسم با شرایط عمیق مملکت شناسد از این نظر خود را وابسته به این جریان دانسته و کوشش خواهد کرد تا در ارتباط با آن وظایف زیر را انجام دهد:

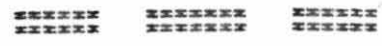
۱- حفظ سنن انقلابی جنبش دانشجویی و دانش آموزی ایران، و ارتقاء و غنا بخشیدن هر چه بیشتر آن.

- ۲- منفرد کردن اپور تو نیسم و جلوگیری از رخنه و گسترش آن در محیط دانشگاه و مدرسه.
 - ۳- پاسداری از دانشگاه و مدرسه و موجودیت آنها بعنوان یکی از سنگرهای مبارزات دمکراتیک و ضدامپریالیستی توده ها.
 - ۴- حفظ و گسترش روحیه مقاومت و مبارزه انقلابی در دانشجویان و دانش آموزان.
 - ۵- پاسخ به ضرورت های مبارزه ضدامپریالیستی در چهار چوب جنبش دانشجویی و دانش آموزی.
 - ۶- کوشش در عمیق ساختن پیوند جنبش دانشجویی و دانش آموزی با سایر جنبش های مردمی.
 - ۷- افشاء و منفرد کردن جریانات سازشکار.
 - ۸- دمکراتیزه کردن روابط در دانشگاه و مدرسه.
 - ۹- مبارزه برای تغییر نظام آموزشی در ارتباط با مسائل واقعی جامعه ایران.
 - ۱۰- مبارزه برای هر چه عملی تر کردن دروس.
 - ۱۱- اساعه مارکسیسم-لنینیسم انقلابی.
- جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن، ضمن دامن زدن به مبارزات دانشجویان و دانش آموزان بر علیه امریالیسم در تمام مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویی و دانش آموزی شرکت

فعال خواهد کرد. و کوشش می کند تا در تعیین اهداف، اسلوبهای عمل، و بطور کلی برنامه های عملی این جنبش تأثیر خود را برجای گذارد. در این مبارزه جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن جهد خود را برای اتحاد عمل گروهها و جریانات متفرقی، نا آنجا که با اهداف و وظایف اصولی جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن مغایر نباشد به عمل خواهد آورد.

دانشجویان و دانش آموزان مبارزان

با پیوستن به جنبش دانشجویی و دانش آموزی ۱۹ بهمن ۸ صفوف دانشجویان و دانش آموزان مبارز میهنان را مستحکم تر سازید.



دنباله گزارش رودبار سرا

دستبرخ کار خود آنان بود در احیاء گرمه و سد پورجا - سی معنور جبری بدادند. پورجاسی سر از ۲۸ تن از این زارعین مبارزه "دادگاه انقلاب" نکات کرد. اما تعدی ها و ظلم و ستم او و حقانیت موضع زارعین آنجان آشکار بود که "دادگاه انقلاب" سر بر علیه پورجاسی رای خود را صادر کرد. بدسترس روستا - ثیان زحمتکش حوشا بر تصمیم گرفته اند تا دست تمامی رالوصفانی همچون پورجاسی را که خون آشبارا می - مکنند از سر خود کوتاه کرده و تا دست یافتن به کلیه حقوق حقه خود دست از مبارزه برندارند.

با ساداران سیس خانه یکی ارکارگران محل حمله کرده و چند کتاب از خانه او بردند و به این ترتیب اتحاد انوم خود را با زمینداران بزرگ به معرض نمایش گذاشتند. ولی ما به همه با ساداران و زمینداران بزرگ میگوئیم که جریکهای فدائی خلق ایران افتخار میکنند که روستائیان زحمتکش را بر علیه زمینداران بزرگ و جا - میان آنان بشوراسند. به امید روزی که در اثر مبارزات روستائیان زحمتکش و پیوسته مبارزات آنان با مبارزات سایر اقشار و طبقات خلق دست تمامی زمین - داران بزرگ و جا میان آنها، از هر قماش که باشند، از سر مردم ماکوناه شود.



رودبار سرا - خوشابو

به یاد پیشمرگه قهرمان جریکهای فدائوسی خلق ایران رفیق شهید نور آذرا قازاده

یکی دیگر از رفقای مادر سردر علیه ارتش صد - خلقی که آتش سلاهای خود را بر روی خلق دلیر کرد کتوده است در اثر اصابت خمپاره به شهادت رسید. خون سرح رفیق نور آذرا قازاده بر حرم سرخ جریکهای فدائی خلق ایران را گلگون تر ساخت و ما را در ادامه راه خود مصمم تر کرد. شعری را که در زیر میخوانید به یاد این رفیق شهید سروده شده است.

زمیندار بزرگ خوشابو، شخصی بسام پورجاسی - است. پورجاسی همیشه کوشیده است تا از طریق بسه اصطلاح خرید زمین روستائیان زحمتکش، زمینهای آنان را غصب کند و بدین ترتیب زمین بسیاری از زحمتکشان روستا را که از نظر توانائی مالی قدرت مقابله با او را نداشتند از جنگ آنان خارج کرد. در جریان اطلاعات ارضی شاه خائن نیز او باز دو بسد و حقه سازی توانست که زمینهای بسیاری را در حقیقت خود گاه دارد و تنها ۱۷ نفر از کشاورزان در اثر مبارزات پیگیر خود نتوانستند قطعه زمینی را از او پس بگیرند.

دساله در صفحه بعد

امسال زارعینی که بر روی زمینهای غصب شده توسط پورجاسی کار میکنند، تمام محصولاتی را که

زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند

در راه راه موج چون ،	به عطر آبی دریا !
علفله می رند ، خوبار .	بیژواک سرح باد ،
چشمان عاشق بگاہت	هیبات !
درخشمه های خروشان کردستان	"نوروش !" ، ای شهاب بت شکن !
درخشش شمشیر است .	دردری ریشه ها و توشه ها
قسم به صداقت بیدریغ ماندگارت ،	سیلاب انفجار ستاره خونین است .
در آب آفتاب ، دامن کشان ، پاروژنان	در باد سرخ سحر ،
سہتاب می شویم	در سفیر رشد گلوله در خاک ،
وتا ،	در انفجار سربی ستارگان خونریز
ماه آفتاب با سنگ کوهسار ،	فر رفتی با بیانگ که من :
فرهاد می شویم ،	تلا ، لوصداقت بونه در آب اشک گون چشمه سارم .
فریادی شویم	آهای "نوروش !" ، ای موج خون عاشقان
آهای "نوروش"	باخشم تند و تیز دشمن ستیز این خاک
فرهاد ،	جالاک ، توسرودی این آهنگ که من :
فریاد	از سلاله خورشیدم .
فریاد فرهاد می شویم .	اینک ،
۵۹/۷/۶ یارین	خون قلب عاشقت



برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

برهبری طبقه کارگر

تکثیر مجدد از جنبش دانشجویی ۱۹ بهمن - پاریس

رفقتای مسئول توزیع خبرنامه

سهای خبرنامه ۲۰ ریال است ، ولی برای توزیع آن در بین زحمتکشان بولی دریافت نکنید .